مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

ف، هیرمند ۲۰۲۵/۱۲/۲۵

بخشی از میراث بازمانده دوران اشغال روسها و مزدوران آن

هر سال تجلیل و یادآوری این روز سیاه، روزی که نقطۀ عطف در نگونبختی های وطن ما شمرده می شود، روز تا روز در حافظۀ تأریخ کم رنگ تر می شود، نه... نه نباید گذاشت که این منحوس ترین روز در وطن ما، از حافظه ها بی افتد، این به دوش نسل مانده از آن دوران یعنی دوران اشغال وطن مقدس توسط اردوی غارتگر سرخ روسیۀ شوروی وقت است که باید آن رویداد لااقل هر ساله به خاطرۀ مردم ما و نسل جوان هر دوره یادآوری و خاطر نشان ساخته شود، آن تهاجم واشغال که به دعوت کم اصل ترین مزدوران استعمار دوران به عمل آمده بود. هجومی که در ظاهر از حاکمیت ناروا و مضحک پرچمی ها و خلقی ها در وطن ما از افتادن و سقوط رسوا آن محافظت کند.

ازهر دورۀ تأریخ پدیده های جایز و ناجایز و پاک و ناپاکی به جا می ماند، میراث دوران حاکمیت مزدوران اشغالگران روسی هم کم نیستند از آن دوران رویه ها، سیاست ها و اعمالی نجسی به جا مانده است که دنبال کردن و تعمیل آن برای نسل های دیگر هم بدبختی و نا کامی را با خود حمل کرده است. در این یادداشت مختصر بعضی از آن میراث ها یادآوری می شود، میراث های که همه ثبت تأریخ اند و کدام تبلیغ دورغی و مجازی نیستند:

مردم مظلوم و معصوم ما که از 7 ثور 1357 ه ش در زیر استبداد و سرکوب حاکمیت پرچم و خلق "حزب دموکراتیک خلق" به سر می بردند، در 6 جدی 1358 – 25 دسامبر 1979 م - فاجعۀ بزرگی را همین وطنفروشان پرچمی -خلقی به سر وطن و مردم ما نازل کردند که در تأریخ افغانستان به چنین صورتی بی سابقه بوده است، این حزبی ها در طی یک و نیم سال کم وبیش، قبل از تهاجم روسها چنان سرکوب و دست گیری، شکنجه، تیرباران ها، زنده به گورکردن ها و اختناق همه گیر و تمام عیار را بر وطن و مردم ما اعمال نمودند تا حین فراخواندن اربابان روسی شان دگر توان و نیروی مقاومت و استادگی در برابر اشغالگران روسی و نوکران وطنی شان وجود نداشته باشد.

پرچمی ها و خلقی ها با این خیانت خود، راه را برای سایراجانب حریص قطعۀ کشور ما باز کردند، پاکستانی ها هم در صدد شدند تا در میان مجاهدان، برخی عناصر مزدوررا برای خویش دست و پا کنند و به همین خاطر آنها در برخی جبهات مجاهدان افغان این نیت خود را تحقق بخشیدند، بعد از تهاجم روسها کشور ما محل هجوم انواع غارتگران گردید، در سال 2001 امریکایی ها و قدرت های ناتو هم به نیت اشغال افغانستان به سر زمین ما هجوم آوردند وهر یک از قدرت های منطقوی و بین المللی به نوبۀ خود ویرانی ها و تباهی های بنیادی بر وضعیت وطن ما وارد کردند.

گویی افغانستان سرزمین بی صاحب بوده که همه بر آن تهاجم میکرده اند و بانی و بینان گذار این حالت اسفناک که وطن ما به صورت پیهم زیر پای چکمه های نیرو های اجانب قرار گرفت ، همین پرچم و خلق و اعضای وطنفروش آن هستند. تهاجم روس ها به خاک مقدس وطن ما، سبب تحریک قدرت های منطقوی و بین المللی جهت مداخلۀ آزادانه در امور وطن ما شد، پاکستان، قدرت های غربی(امریکا، انگلستان و...) با استخدام مزدوران شان این دسایس خود را به عمل می

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

آوردند.این یکی ازعمده ترین میراث کثیف همین گروه حزب دموکراتیک خلق است که در وطن ما تا مدت های تحمیل میشد.

از فجایع دیگر این گروه وطنفروش، آغاز علنی تبلیغ نفرت تباری وایجاد سؤی اعتماد میان مردم ما – از تریبون رسمی دولت مزدور - بود که با عناوین گوناگون و برچسپ های مختلف مردم ما را به جان همدیگر دشمن و دد معرفی میکرد، اعم از تنوعات زبانی، تباری، منطقوی و... مردم ما را خط کشی های مغرضانه و تفرقه افگنانه تعیین موقعیت می نمودند که اثرات نامیمون و ضد ملی آن تاحالا مردم ما را می آزارد، تأریخ این میراث شوم این دشمنان مردم ما را فراموش نمی کند.

یکی از خصایل عمده و عریان مستعمره نشینی، معرفی استعمار به مثابهٔ مالک سرنوشت مستعمره است که به اشکال گوناگون این خصلت توسط استعمار و بالخصوص مزدوران آن به عمل آورده می شود؛ گویا استعمار است که همه وضعیت و حالت خوب و ناخوب مستعمره را بدست داشته و می سازد. مزدوران استعمار با فعالیت و رویه های خود برای این مقصد لابی گری و خدمت میکنند، یک از شیوه های معمول و مشهود این رؤش افراد مزدور استعمار، خود را متعلق به مقامات استعماری در مستعمره معرفی و یا وانمود می نمایند تا هم برای خود منزلت و مرتبتی دست و پا کرده باشند و نیز از این طریق به مردم تداعی نموده باشند که مقامات حاضر استعمار در مستعمره همکاره و کامل الاختیار اند.

در دوران اشغال وطن ما توسط شوروی ها مشاوران روسی استعمارگر در رأس هر ادارهٔ دولتی افغانستان تمام امور آنرا سوق و اداره می نمودند، آنها تمام صلاحیت امور مستعمره را برعهده می گرفتند.

فرهنگ افتخار به حضور نیروی های اجانب و افتخار به وابستگی استخباراتی با استعمار و اشغالگران، به صورت یک تکیه گاه قدرت نمایی و رؤشی جهت دسترسی به جاه و مال مطرح می شد، در زمان حضور اشغالگران روسی، پرچمی ها و خلقی های بودند که برای مردم ستمدیدهٔ ما فخر فروشی و فضل فروشی میکردند و برای مشاوران روسی که ادارهٔ تمام امور بدست شان بود، برای مشاوران تملق و کرنش می نمودند تا به نحوی خود را چنان در محضر دیگران نشان بدهند که با روسها تعلق جدی دارند، حتی همین حزبی ها در وقت حاکمیت اربابان شان برای برخی می گفتند که می توانند کار شان را در نزد مشاور خلاص کنند و نقش واسطه و پُلی را میان مشاور استعمارگر و افراد مظلوم وطن ما بر عهده میگرفتند، تا مردم ما آگاه و باخبر گردند که این مشاروان روسی اند که بر کشور ما حکومت میکنند.

حزبی ها همین اخلاق لابی گری – حتی بیشتر از لابی گری – را به عمل می آوردند تا حضور حاکمان روسی ، را در میان مردم ما به یک وضع معمول و عادی جلوه دهند. این زشت ترین خصلت مأمور بومی یک مستعمره است که در زمرهٔ خصایل مستعمره نشینی می توان ملاحظه کرد.

همین خصلت بعداً در میان برخی از افراد تنظیمی نیز دیده می شود که از پرچمی ها و خلقی ها آموختند، عده ای از پرچمی ها بعد از سقوط کامل و محو فزیکی دولت به تنظیم های پیوستند که تعلقات خاصی، شاید تباری با آنها داشتند، در میان این تنظیمی ها افرادی بودند که روابط "خاص" با دستگاه های پاکستانی برقرارکرده بودند و نیز افرادی هم بودند که سعی بر تملق به پاکستانی ها میکردند تا مردم چنین برداشت داشته باشند که موصوف رابطهٔ مهمی با این جنرال ویا آن کارمند دولت پاکستان داشته است. این رؤش چنان در این دوران مورد استفاده قرار گرفت که شخصی در سطح رئیس دولت افغانستان از یک جنرال پاکستانی دعوت نمود تا در کنار او در امور حکومتداری افغانستان حصه بگیرد این را همه به خاطر دارند و اسناد چاپی و تصاویر آن در آرشیف ها موجود است.

سپس در دوران هروج و اشغال امریکایی ها، نیز به تأسی از همین "اخلاق...!!" و رؤش پرچمی ها و خلقی ها، مزدوان امریکایی ها، بعضاً در هیأت ترجمان، کارمند استخبارات، یا مستخدم اطاق ها، یا... و نیز تعدادی هم بدون وابستگی سعی

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکي په ځير و لولئ

بر آن میکردند تا خود را "عضو دستگاه استخبارات امریکایی" نشان بدهند واین را برای خود افتخار میدانستند واز استفاده از همین رؤش در امور کار های دفتری و نیزترویج فساد سهم میگرفتند، قابل ذکر است که در میان افراد مؤظف اشخاصی هم بودند که از شیوهٔ کاری میراث مانده ای پرچمی ها و خلقی ها دوری می گزیدند.

این شیوه که بنیان گزار آن اعضای حزب دموکراتیک خلق است تا دیرزمانی در رؤش برخی از افراد مزدور استعمارگران رنگارنگ به کار گرفته می شده است.

این ها بخشی از میراث های نامیمون و ضد ملی اعضای حزب دموکراتیک است که تا دیر زمانی در مسیر مستعمره گردانی وطن ما دیده شده است.

... واین بدان معنی نیز نیست که اعمال استعمارگران روسی و مزدوران شان به خیانت های متذکره محدود بوده است. تخریب، شهر ها، روستاها، کشته شدن و متواری گردیدن میلیون ها افغان، سرکوب علنی و مخفی عناصر وطن خواه و آزادی خواه، تعرض به عقاید مقدس مردم ما، ترویج مشروب خواری و فساد اخلاقی، گسترش جنگ و خونریزی و صرف وجوه دولتی در جبهات جنگ و سرکوب آزاد ی خواهان کشور، فروریزی اقتصادی مردم و گرسنگی و قحطی مواد غذایی در شهر ها و روستاها و... را که محصول دوران استعمار روسی است را نه باید از یاد برد. غارت منابع طبیعی مانند گاز طبیعی، یورانیوم و... را نیز به خاطر داشت که امریکایی ها نیز یورانیوم ما را – همچو روسها – شبانه با طیارات نظامی شان دزدیده و غارت نمودند.

به زندان انداختن ها، شکنجه کردن ها، تیرباران نمودن ها، زنده به گور کردن ها و کشته شده میلیون ها هموطن معصوم ما و بی وطن شدن و متواری گردیدن میلیون ها افغان دیگر از میراث های خانمانسور دوران هجوم و استعمار روسهاست که هرگز فراموش نمی شود و نباید فراموش گردد.

بعضی از صفحات تأریخ غم انگیز و تراژیک کشور ما مشبوع از ذکر همین میراث های ضد وطنی و ضد مردم و ضد ملی وطن ما است که به طور عمده از تأریخ ششم جدی 1358 مصادف با 25 دسامبر 1979 آغاز گردیده است. نسل های آیندهٔ ما باید آنرا به خاطر داشته باشند و از آن انتباه بگیرند و فریب وطنفروشان و مزدوران استعمار را نه خورند.

روح آن شهیدان مخلص و پاک وطن که بدون هیچگونه توقعی با سکوت تمام در راه مبارزه در برابر اشغالگران جان شان را نثار نمودند که نه عنوان تنظیمی را بر سر داشتند و نه راه و رسم دیگری را و فقط به نام وطن و مردم قربانی دادند.

پایان

آر شیف:مطالب نشر شدهٔ آقای ف، هیرمند

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ